

سیاست گذاری رفاه خانواده در ایران، مطالعه تطبیقی برنامه‌های توسعه

ملیحه عرشی: استادیار عضو هیات علمی، گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، marshisw@yahoo.com
مرضیه تکفلی*: دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی، دانشگاه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، marzieh.takaffoli@gmail.com
محمد سبزی خوشنامی: عضو هیات علمی، گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.

واژگان کلیدی

برنامه توسعه

برنامه عمرانی

سیاست

رفاه خانواده

ایران

چکیده

مقدمه: خانواده نقش حساس و مهمی در شکل‌دهی به جامعه ایفا می‌کند، در بسیاری از جوامع ماهیت خانواده به لحاظ فرآیند مدرنیزه شدن و فشارهای مداوم توسعه تا حدی تغییر نموده است. این تغییرات و نیازهای رو به افزایش خانواده‌ها، اولویت‌هایی را برای سیاست‌گذاری دولت‌ها ایجاد کرده است. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به سیاست و رفاه خانواده در کشورها و همچنین عواملی چون پراکندگی و کمبود اطلاعات در این حوزه، پیچیدگی مفهوم رفاه و نیاز سیاست‌گذاران به اطلاع از جایگاه ایران در خصوص رفاه خانواده، ضرورت پرداختن به این موضوع به منظور برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در این حوزه عیان است. لذا این مقاله به بررسی سابقه برنامه‌ریزی رفاه خانواده در ایران، شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه‌های اجرا شده، همچنین مشخص کردن سیاست‌های مهم در این حوزه پرداخته است.

روش: روش تحقیق به کار گرفته شده مبتنی بر روش اسنادی و مروری با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای موضوعی و لغوی بوده است. در این پژوهش ۲۸ سند اصلی در خصوص برنامه‌ها مرور شده‌اند. این اسناد مربوط به اصل برنامه یا ارزشیابی‌هایی در خصوص آن یا لوازم مربوطه می‌باشند.

نتایج: در برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب برنامه جداگانه‌ای با موضوع رفاه خانواده وجود نداشته است و فصل بودجه‌ای جداگانه نیز به خود اختصاص نمی‌دادند. اما در برنامه چهارم عمرانی قبل از انقلاب، فصل «رفاه اجتماعی» و برنامه‌ی «رفاه خانواده و کودک» دیده شد.

بحث و نتیجه‌گیری: بررسی نهایی نشان می‌دهد که رفاه خانواده به عنوان یک کلیت مستقل در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کشور مغفول مانده است. در نتیجه در برنامه‌های آتی رفاه خانواده در ایران لازم است به مولفه‌هایی چون وجود رویکردی کل‌نگر به خانواده، نداشتن نگرشی بیمارمحور و آسیب‌محور به آن، داشتن الگوهای استحقاق‌سنجی و تعیین متولی واحد در این امر توجه کرد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: مروری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۲۰

ملیحه عرشی، مرضیه تکفلی و محمد سبزی خوشنامی. سیاست‌گذاری رفاه خانواده در ایران، مطالعه تطبیقی برنامه‌های توسعه. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۴؛ ۴ (۱): ۳۸-۴۹

نحوه استناد به مقاله:

Family Welfare Policies in Iran, Comparative Study of Development Programs

Malihe Arshi: Ph.D of Social Work, Assistant Professor and Faculty Member of University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. marshi@yahoo.com

Marzieh Takaffoli*: Ph.D Student of Social Work, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. marzieh.takaffoli@gmail.com

Mohammad Sabzi Khoshnami: Faculty Member of University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences.

Abstract

Introduction: Family has a critical role in societies. In most of societies, in response to the development and industrialization, the nature of family has changed. Nowadays family issues become priorities to governments' policy making, because of these changes and family's increasing needs. Because of deficit information and documentation in this issue and complicated concept of welfare, it's necessary to study family policies in Iran to use it in policy planning and decision making.

Aims: The paper review the history of family welfare policies in Iran to assess their strengths and weakness and indicate key points for future planning.

Methodology: Current study is documentary research and used content analysis. In the research about 28 main documentaries have reviewed.

Results: There wasn't any specific plan budget about family welfare in none of Development Programs of before and after the Islamic Revolution except Forth Plan before revolution.

Conclusions: It is concluded that family welfare isn't an independent issue in policies and planning. So there should be a comprehensive and non-pathological approach to family in future policies and also it's necessary to appoint an institution to supervise and monitor the family welfare issues.

Keywords

Development Programs

Family Welfare

Policy

Iran

*Corresponding Author
Study Type: Case Study
Received: 05 Jan 2015
Accepted: 09 Apr 2015

Please cite this article as follows:

Arshi M, Takaffoli M and Khoshnami M. Family Welfare Policies in Iran, Comparative Study of Development Programs. Quarterly journal of social work. 2015; 4 (1); 38-49

مقدمه

خانواده به عنوان نماینده و ذینفع توسعه، نقش حساس و مهمی در شکل دهی به جامعه ایفا می‌کند. خانواده ابزار اصلی انسجام جامعه بوده و این کار را از طریق فعالیت اجتماعی خود انجام می‌دهد. در بسیاری از جوامع ماهیت خانواده به لحاظ فرآیند مدرنیزه شدن و فشارهای مداوم توسعه تا حدی تغییر نموده است. در ویرایش بیستم (آخرین ویرایش) دایره المعارف مددکاری اجتماعی (۲۰۰۸) در تعریف خانواده آمده است که: «تقریباً در تمام جوامع خانواده را به عنوان واحد اصلی و اولیه هماهنگ و تعدیل کننده زاد و ولد و توزیع مجدد اهداف، در زمینه اجتماعی بزرگتر تولید و مبادله می‌دانند. که این واحد نسبت به تغییرات سریع اقتصادی در محیطی که در آن زندگی می‌کند، آسیب‌پذیر است».

پیشرفت اجتماعی منجر به تقویت مؤسساتی از قبیل مؤسسات مربوط به رفاه، آموزش و سیستم‌های قانونی می‌شود که بخشی از فعالیت‌های سنتی خانواده از قبیل پرورش کودکان، حمایت و حفظ سلامتی را بر عهده می‌گیرند. اگرچه فرایند توسعه به تقویت شبکه‌های حامی خانواده منجر شده است، اما مؤسسات رفاهی ناکارآمد قادر به ارائه انواع خدمات مورد نیاز خانواده در کشورهای مختلف نمی‌باشند. از طرف دیگر، تغییرات در سلامت و بهداشت موجب تحولاتی در ساختار و وظایف خانواده شده است. این تغییرات و نیازهای رو به افزایش خانواده‌ها، اولویت‌هایی را برای سیاست‌گزینی دولت‌ها ایجاد کرده است که می‌توان به ریشه‌کنی فقر، تقویت مؤسسات رفاهی، برنامه‌های رفاه خانواده، دسترسی به پیشرفت و توسعه اجتماعی و همچنین تمرکز جهان امروز بر اصول دموکراتیک و اهمیت جامعه مدنی اشاره کرد (شادلو، ۱۳۸۴: ۹). در رابطه با مفهوم رفاه می‌توان عنوان کرد که «یک تعریف جامع از رفاه شاید هم شامل مؤلفه‌های عینی بهزیستی نظیر رفاه مادی و بهداشتی باشد و هم مواردی نظیر فرصت‌ها و استقلال را در برگیرد». (بلیک مور، ۱۳۸۵: ۴۴۱). لازم به ذکر است که مفهوم رفاه با بسیاری از مفاهیم دیگر در ارتباط تنگاتنگ است. همچنین این مفهوم در ارتباط با مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تعاریف مختلفی به خود می‌گیرد.

سیاست خانواده نیز مجموعه راه‌کارهایی است که برای رفاه و بهزیستی خانواده اندیشیده و به کار گرفته می‌شود و در دانشنامه بریتانیکا (پینکر، ۲۰۱۴) در تعریف رفاه خانواده آورده شده است «به صورت معمول فلاسفه اجتماعی و متخصصانی که با افراد کار می‌کنند، زندگی خانوادگی را بستری ایده آل برای ارتقاء رفاه اجتماعی می‌دانند. برنامه‌های رفاه خانواده به دنبال حفظ و قدرت بخشیدن واحد خانواده از طریق یاری‌رسانی اقتصادی (در مواقعی که در دسترس است) و یاری‌رسانی به افراد از طریق خدمات مختلف و متنوع است». در تعریفی دیگر، سیاست خانواده، سیاستی خوانده می‌شود که هدف آن حفاظت، ارتقاء و قدرت بخشیدن به خانواده‌ها از طریق رسیدگی به یکی یا بیشتر از یکی از پنج کارکرد اجرایی صریح خانواده است: ۱- شکل و ساخت خانواده ۲- حمایت شرکاء زندگی ۳- حمایت اقتصادی ۴- تربیت فرزندان ۵- مراقبت (بوگنشیندر، ۲۰۱۴).

در کنار این تعریف که به کارکردهای صریح خانواده می‌پردازد، بوگنشیندر (۲۰۰۶) تصریح می‌کند که در بیانی ضمنی، رویکرد خانواده محوری در سیاست‌گذاری، نشان دهنده نقش قابل توجه‌ای است که خانواده می‌تواند در ابعاد و موضوعات مختلف و گسترده سیاسی ایفا کند. خانواده محوری در سیاست‌گذاری، نتایج هر قانون یا سیاست را بدون در نظر گرفتن این موضوع که آیا به صورت صریح و مستقیم، خانواده را هدف قرار داده است یا نه، برای بررسی اثرات آن سیاست‌گذاری‌ها بر رفاه خانواده تحلیل و آنالیز می‌کند.

در واقع در مورد سیاست خانواده معتقدند، رابطه بین زندگی خانوادگی و سیاست‌های اجتماعی توسط دولت‌ها تنظیم می‌شود و آن‌ها به شکل مستقیم یا از طریق نهادهای گوناگون اجتماعی بر زندگی خانوادگی تأثیر می‌گذارند. این نوع اقدامات را می‌توان مداخله دولت در جهت حفظ و ارتقاء سطح روابط خانوادگی نامید. از نظر مفسرین، سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها می‌تواند باعث گسترش تقاضای افراد برای تشکیل خانواده شود و حتی دیدگاه‌های افراد در مورد خانواده را به گونه‌ای مثبت تغییر دهد. برخی نیز با نگاهی منفی به این اقدامات می‌نگرند و معتقدند دولت‌ها تنها سعی در ارائه خدمات رفاهی برای خانواده‌ها دارند و این به معنی آن است که آن‌ها به خانواده نگاهی اقتصادی دارند و به بسیاری از دیگر ابعاد خانواده توجه کافی به عمل نمی‌آورند (رابینز مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

در مورد رفاه نظریه‌های متعددی وجود دارد و دسته‌بندی‌های موجود از نظریه‌های رفاهی بسیار متعدد و متنوع است، بعضی

این دسته‌بندی را بر اساس میزان قدرت دولت، به چپ و راست تقسیم می‌کنند، برخی به دسته‌بندی‌های نظام‌های رفاهی کشورهای مختلف معتقدند و بعضی دسته‌بندی‌های دیگری مانند نظریه تطبیقی، نظریه نظام و پست‌مدرن را مطرح می‌کنند و برخی نظریه را بر حسب صاحب نظر آن می‌شناسند و بالاخره بعضی دسته‌بندی نظریه‌ها را به کلاسیک و جدید تقسیم‌بندی می‌کنند. یکی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌های موجود، تقسیم‌بندی اسپینگ اندرسون است که در ادامه معرفی می‌شود.

همانطور که گفته شد، در مقایسه تطبیقی کشورها، آن‌ها از نظر رویکردی که به رفاه دارند دسته‌بندی شده‌اند. نسل اول مطالعات تطبیقی بر این فرض استوار بود که میزان هزینه اجتماعی، منعکس‌کننده تعهد دولت نسبت به مسئله رفاه است. هنگامی که کشورها بر حسب سطح هزینه اجتماعی خود طبقه‌بندی شدند، به‌طور تلویحی این گونه استنتاج گردید که سطح هزینه بالاتر منجر به امنیت اجتماعی فراگیرتر می‌شود. در نسل دوم مطالعات تطبیقی، مرکز توجه به ماهیت دولت رفاهی معطوف شد. این مطالعات بجای توجه به هزینه‌ها، توجه خود را به ابزار و وسایلی که مولد رفاه است، معطوف داشته‌اند. در واقع دولت رفاهی بر مبنای عواملی چون سطح مزایا، معیارهای حائز شرایط شدن، ماهیت عمومی یا محدود سیاست اجتماعی، برابری جنس‌ها، تعهد به اشتغال کامل و غیره، طبقه‌بندی شده‌اند. نسل سوم مطالعات دولت رفاهی تدریجاً به این نتیجه رسیده است که ارزش واقعی دولت رفاهی وابسته به نتایج آن است. توجه اصلی آن معطوف به نتایجی است که می‌تواند از سطوح معین هزینه و قوانین مناسب حاصل شود. به‌طور خلاصه، این مطالعات ارائه‌کننده تصویر کامل‌تری از نحوه عملکرد دولت رفاهی است (اسپینگ اندرسون ۱۹۹۰ به نقل از ماکینن، ۱۳۷۹).

لذا در راستای حفاظت و حمایت از

خانواده، سیاست‌های رفاه خانواده‌ای که دولت برمی‌گزیند، بسیار مهم است و نوع دولت را در بین رژیم‌های رفاهی مشخص می‌گرداند. اما کشورها از نظر برخورد با بودن از سیاست‌ها و خط مشی‌های روشن در زمینه خانواده وضعیت یکسانی ندارند. در بسیاری از کشورها، در حالی که در زمینه آموزش، بهداشت، تأمین اجتماعی، اشتغال، مالیات، مهاجرت و حقوق شهروندی قوانین و سیاست‌های روشنی وجود دارد، در مورد خانواده، وضعیت اینگونه نیست. این تفاوت ناشی از این است که همانطور که مطرح شد، هنوز به خوبی نمی‌توان مشخص نمود دولت‌ها در چه زمینه‌ای حق دخالت در امور خانواده را دارند و در چه زمینه‌هایی مجاز به چنین دخالت‌هایی نیستند.

مدل سه وجهی اسپینگ اندرسون گونه‌شناسی خانواده را در کشورهای غربی به خوبی نشان می‌دهد. طبق این مدل، در نظام‌های سیاسی لیبرال، رابطه بین خانواده و دولت اینگونه تعریف شده است که دولت در هیچ زمینه‌ای در امور خانواده دخالت نکند، تنها استثناء در این مورد دخالت‌های محدود اما حساب شده و هدفمند در زمانی است که خانواده با مشکل جدی روبرو شود و خود مایل به حمایت از سوی دولت باشد. در مورد خانواده این تصور وجود دارد که در نهایت روابط خانوادگی بدون دخالت دولت به شرایط مطلوب خود خواهد رسید (ریینز مک کارتی و ادواردز، ۲۰۰۵؛ سیکینز، ۱۳۹۰؛ اسکراجز و آلن، ۲۰۰۶).

در مدل اسپینگ اندرسون، دولت‌های محافظه کار سعی در پشتیبانی از نقش نان‌آور بودن مردان و خانه‌دار بودن زنان در خانواده را دارند و به گونه‌ای تلاش می‌کنند که در جهت تقویت الزامات و تعهدات متقابل اعضای خانواده نسبت به یکدیگر اقداماتی انجام دهند. در این نظام اقدامات دولت‌ها در جهت کاهش خطرات فروپاشی زندگی خانوادگی است (ریینز مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰؛ سیکینز، ۲۰۰۵؛ اسکراجز و آلن، ۲۰۰۶).

در نظام‌های سیاسی مبتنی بر سوسیال دموکراسی، نقش دولت در حمایت از خانواده بسیار پررنگ و همه جانبه است اما به جای حمایت از خانواده از اعضای خانواده به عنوان افرادی مستقل حمایت به عمل می‌آید. در واقع دولت خلأ نبودن پدر و مادر در خانه را پر می‌کند. مسئولیت نگهداری از بچه‌ها بین خانواده و دولت تقسیم می‌شود و هر دوی آن‌ها در این زمینه ملزم به انجام اقداماتی خاص و پذیرش مسئولیت‌هایی ویژه می‌شوند (ریینز مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰).

لذا با توجه به مطالب عنوان شده رابطه بین زندگی خانوادگی و سیاست‌های اجتماعی توسط دولت‌ها تنظیم می‌شود و اتخاذ سیاست‌های اجتماعی مؤثر، قبل از هر مکان، تأثیر خود را بر خانواده و اعضای آن می‌گذارد. خانواده‌ی سالم هزینه‌های کمتری را به جامعه تحمیل می‌کند و نقش اساسی و بی‌بدیلی در پیوند فرد و جامعه دارد. از یک طرف نقش خانواده در سلامت جامعه و تربیت فرهنگی و

مفهوم رفاه، دشواری جدا کردن رفاه اجتماعی از دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و با توجه به نیاز سیاست‌گذاران به اطلاع از جایگاه ایران در خصوص رفاه خانواده، ضرورت پرداختن به برنامه‌ها و نگرش موجود در کشور به خانواده و سیاست‌های رفاهی پی‌ریزی شده برای آن به منظور برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در این حوزه مبرهن است. لذا، در این مقاله به بررسی و تحلیل سیاست‌های رفاه خانواده در ایران قبل و پس از انقلاب جمهوری اسلامی با تاکید بر برنامه‌های عمرانی و توسعه پرداخته شده است.

اجتماعی و از طرف دیگر تأثیر جامعه و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بر خانواده، رابطه‌ای متقابلی بین این دو ایجاد کرده است. همه آنچه گفته شد نشانگر آن است که بهبود و ارتقاء نقش خانواده و سلامت آن اندیشه‌های ژرفی را می‌طلبد. در واقع شناخت و بررسی روند طی شده در کشور در رابطه با رفاه خانواده و تحلیل سیاست‌گذاری‌های موجود می‌تواند در برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی پیش رو تعیین کننده باشد. در واقع اساس برنامه‌ریزی باید بر پایه نگرش، رسالت و خط‌مشی‌های کلی سیاست کشور باشد و با در نظر گرفتن فرهنگ و شرایط کشور به ارائه الگوی متناسب با جامعه پردازد. با توجه به موارد ذکر شده در رابطه با اهمیت و ضرورت توجه به سیاست و رفاه خانواده در کشورها و همچنین عواملی چون اهمیت نهاد خانواده، پراکندگی و کمبود اطلاعات و پژوهش‌ها در این حوزه، پیچیدگی

روش

در این مقاله با توجه به موضوع مورد مطالعه، روش تحقیق بکار گرفته شده روش اسنادی و مروری است. پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، مانند آرشیوها یا آمار رسمی است (مجدفر، ۱۳۸۲). در این مطالعه برای استخراج اسناد و مدارک مربوط به رفاه خانواده، کلیه اسناد شامل متون برنامه، لوایح، اهداف و سیاست‌های برنامه و نظارت و ارزشیابی‌های آن مرور شدند. تعداد این اسناد ۲۸ عدد بود که در نهایت تعداد ۲۴ تا از آن‌ها برای تهیه این مقاله به طور مستقیم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این اسناد تحلیل محتوای موضوعی و لغوی شدند و در همه فصول لغات خانواده، کودکان، جوانان مورد بررسی و جستجو قرار گرفت. همچنین در پژوهش پیش رو اسناد و مدارک مرتبط با یازده برنامه‌ی توسعه تدوین شده در کشور، مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. از برنامه‌های عمرانی تدوین شده پنج برنامه قبل از انقلاب اجرایی شده و برنامه ششم صرفاً تدوین شده بود و به اجرا در نیامد. در مورد برنامه‌های بعد از انقلاب هم باید گفت که چهار برنامه بعد از انقلاب به اجرا درآمده و برنامه پنجم در حال اجرا است که کلیه این دوره‌های زمانی مورد مطالعه قرار گرفتند. این اسناد از کتابخانه‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی، مرکز امور مشارکت ریاست جمهوری و سامانه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمع‌آوری شده‌اند.

پایه‌ها

به منظور مطالعه روند رفاه خانواده در کشور، برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب جمهوری اسلامی ایران بررسی شدند. در تحلیل برنامه‌های پس از انقلاب برای شناخت بیشتر زمینه‌های تدوین این برنامه‌ها، بر قوانین، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط نیز مرور کوتاهی شده است.

رفاه خانواده در برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب جمهوری اسلامی ایران - برنامه اول عمرانی (نیمه دوم ۱۳۲۷ - نیمه اول ۱۳۳۴): در این برنامه به‌طور مشخص فصل رفاه اجتماعی و همچنین رفاه خانواده وجود ندارد ولیکن در ماده ۱ این قانون دولت مکلف شده است برنامه هفت ساله عمرانی را به منظور تهیه مایحتاج مردم، اصلاح امور بهداشت عمومی، بالا بردن سطح معلومات و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت و تنزل هزینه‌های زندگی و... اجرا نماید. در این برنامه که شش فصل دارد یکی از فصول اصلاحات اجتماعی و شهری است. در زیر مجموعه این بخش ساختن خانه‌های ارزان، لوله‌کشی آب و برق، بهداشت عمومی، اشتغال‌ییکاران و سایر عملیات عام‌المنفعه و... آمده است (برنامه اول عمرانی کشور، ۱۳۲۷).

برنامه دوم عمرانی (نیمه دوم ۱۳۳۴ - نیمه اول ۱۳۴۱): در این برنامه نیز فصل رفاه اجتماعی و رفاه خانواده به‌طور مشخص وجود ندارد ولیکن باز هم دولت مکلف شده به منظور بالا بردن سطح زندگی و بهبود وضع

منطبق بر معیارهای مشخص در آید (برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۱). فعالیت‌های مورد نظر در برنامه چهارم برای رسیدن به اهداف مذکور مشتمل بر ۴ برنامه‌ی «بیمه‌های اجتماعی»، «خدمات رفاهی»، «برنامه ورزش، تربیت بدنی و تفریحات سالم» و «برنامه آموزش کادر فنی و تحقیقات» بوده است و به رفاه خانواده و کودک به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های برنامه خدمات رفاهی پرداخته شده است.

برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶): هدف کلی برنامه پنجم عمرانی عدالت اجتماعی ذکر شده است. در این برنامه اعتبارات به سه بخش عمده امور عمومی، امور اجتماعی و امور اقتصادی تقسیم شده و فصل رفاه و تأمین اجتماعی در زیرمجموعه بخش امور اجتماعی واقع شده است. برنامه‌های فصل رفاه و تأمین اجتماعی در برنامه پنجم، شامل: بیمه‌های اجتماعی، خدمات رفاهی، توانبخشی گروه‌های خاص، مشارکت و ارتباطات اجتماعی و آموزش و تحقیقات در تأمین و رفاه اجتماعی می‌باشند. در این برنامه برای گروه‌ها و افرادی که از خدمات رفاهی بهره‌مند می‌شوند ضوابط خاص و روشنی تدوین شد. رفاه اجتماعی در برنامه پنجم گروه‌های جدیدی را مثل معلمان و آسیب دیدگان در بر می‌گیرد و فعالیت جدیدی یعنی مشارکت و ارتباطات اجتماعی را شروع می‌کند (برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۱).

برنامه ششم عمرانی (۱۳۵۷-۱۳۶۱): برنامه ششم عمرانی قبل از انقلاب، در سال ۱۳۵۷ با ظهور انقلاب اسلامی، عملی نشد و در حد نوشته باقی ماند. هدف اساسی از عرضه خدمات رفاهی در این برنامه، تأمین نیازمندی‌های اساسی زندگی برای گروه‌های کم‌بهره اجتماعی و مناطق کمتر توسعه یافته کشور و بهزیستی گروه‌های خاص نیازمند ذکر شده است (برنامه ششم عمرانی کشور، ۱۳۵۵). فصل تأمین و رفاه اجتماعی در برنامه عمرانی ششم کشور شامل این برنامه‌ها می‌گردد: برنامه تأمین اجتماعی، برنامه خدمات رفاهی، برنامه خدمات توانبخشی، برنامه دفاع اجتماعی، برنامه خدمات امدادی، برنامه خدمات داوطلبانه، برنامه گذران اوقات فراغت، برنامه نیروی انسانی و تحقیقات، برنامه مدیریت و خدمات اداری (برنامه ششم عمرانی کشور، ۱۳۵۷).

رفاه خانواده پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران: پس از انقلاب اسلامی شواهد و مدارکی که ممکن است در شناخت سیاست خانواده در ایران کمک دهنده باشد شامل قوانین مربوط به خانواده و زنان، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های تدوین شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور است. که در ادامه به این موارد پرداخته شده است.

درمقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اهمیت خانواده در رشد و تکامل پاینده انسان و وظیفه حکومت در تأمین امکانات

معیشت و بهداشت و... این برنامه را اجرا نماید. فصل امور اجتماعی یکی از چهار فصل این برنامه و زیر مجموعه‌های آن عبارتند از: بهداشت عمومی، فرهنگ، برق و آب، عملیات اجتماعی در شهرستان‌ها و ساختمان زندان، آمار، کمک به شرکت‌های تعاونی و تولیدی، کمک به سازمان‌های کارگری (برنامه دوم عمرانی کشور، ۱۳۳۴).

برنامه سوم عمرانی (نیمه دوم ۱۳۴۱- پایان سال ۱۳۴۶): این برنامه به صورت فصول دوگانه‌ای تدوین شده است که یک از آن‌ها همانند فصل بندی‌های برنامه اول و دوم است. در این فصول دوگانه، نامی از امور اجتماعی وجود ندارد. با این حال اقدامات متعددی تا زمان اجرای این برنامه از طریق سازمان‌های رفاهی (دولتی، اجتماعی، عمومی و خصوصی) در زمینه‌های مختلف بیمه‌های اجتماعی، رفاه خانواده، رفاه کودکان بی سرپرست و رفاه جوانان صورت گرفته است. در این زمان علیرغم سرمایه‌گذاری‌های وسیع و تعدد دستگاه‌های اجتماعی، به علت فقدان برنامه جامع و سازمان هماهنگ کننده تا زمان برنامه چهارم از مجموع این فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها بهره‌برداری صحیح نشده است (برنامه سوم عمرانی کشور، ۱۳۴۱).

برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱): در این برنامه تقسیم‌بندی فصول اصلی مانند برنامه سوم است و رفاه اجتماعی یکی از این فصول را تشکیل می‌دهد (برنامه چهارم عمرانی کشور، ۱۳۴۶). به اختصار می‌توان گفت که هدف کلی برنامه چهارم در زمینه رفاه اجتماعی آن بوده است که به تدریج کلیه فعالیت‌های رفاهی از جنبه خیریه و محدود و از صورت چاره‌جویی موقت مشکلات و دردهای اجتماعی خارج شده و تحت نظارت دولت بصورت یک وظیفه عمومی و به‌شکلی سازمان یافته و

سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان، سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی) موضوع خانواده نمود پیدا کرده و مورد اشاره واقع شده است.

در رابطه با قوانین بین‌المللی در مورد خانواده که کشورمان به آن‌ها متعهد است می‌توان عنوان کرد که اکثر توافق‌نامه‌های بین‌المللی در خصوص الحاق ایران به کنوانسیون‌های رفع تبعیض و منع خرید و فروش زنان و برده، تساوی اجرت کارگران زن و مرد و محو بدترین اشکال کار کودک است. تنها توافق‌نامه در خصوص خانواده، موافقتنامه همکاری در زمینه فعالیت زنان و خانواده ایران و تونس است که در سال ۱۳۸۲ مصوب شده است که در بندهای آن همکاری ارگان‌های فعال در زمینه زنان و خانواده و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، دوره‌های آموزشی و... گنجانده شده است (آرتیدار، ۱۳۸۶: ۵۴۶-۵۴۸).

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲):

هدف‌ها و سیاست‌های کلی توسعه آینده در این برنامه، گسترش آموزش و فرهنگ، تأمین استقلال اقتصادی، تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی، تأمین خوراک و پوشاک و مسکن، رفع بیکاری و تأمین منافع مستضعفین ذکر شده است. فصل بیست و پنجم در زیر مجموعه بخش فرهنگی و اجتماعی این برنامه، «بهبودی» نام دارد و در آن گسترش خدمات در جهت تأمین حداقل نیازهای اساسی گروه‌های نیازمند جامعه، افراد و خانواده‌های بی‌سرپرست و همچنین لزوم توجه به خانواده‌های شهداء و جانبازان مدنظر قرار گرفته شده است (برنامه اول توسعه، ۱۳۶۱).

برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸):

در جهت‌گیری‌ها و هدف‌های کلی برنامه دوم، محورهای عدالت اجتماعی

مورد نیاز این نهاد تاکید شده است. در اصول متعددی از قانون اساسی نیز به موارد مرتبط با رفاه خانواده چون توجه به خانواده در سیاست‌گذاری‌ها، حقوق برابر زنان و مردان، حمایت از زنان و مادران، مبارزه با فقر و تأمین نیازهای اساسی افراد و فراهم کردن زمینه اشتغال مناسب مردم اشاره شده است (اصول ۱۰، ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی).

در قانون مدنی ایران قوانین متعددی چون ازدواج و طلاق، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به خانواده مربوط می‌شوند که بعضی از آن‌ها در طول تاریخ ایران تغییرات زیادی را به خود دیده‌اند. برای نمونه با توجه به آمارهای روزافزون طلاق و تقاضای تبعی آن چون حضانت کودک، نفقه، مهریه و غیره، قانون‌گذار در سال ۱۳۷۱ برای جلوگیری از بروز این امر با تصویب «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» ثبت طلاق‌های بدون گواهی صادره مبنی بر عدم امکان سازش از ناحیه محاکم را ممنوع نمود و اختیار زوجین نسبت به طلاق توافقی بدون مراجعه به دادگاه سلب شد (آرتیدار، ۱۳۸۶: ۴۱).

همچنین در سال ۱۳۷۵ با توجه به تراکم پرونده‌های خانوادگی و نیز حساسیت و ضرورت عدم تداخل آن‌ها با موضوعات دیگر، و همچنین نیاز شدید به وجود محاکم خاصی برای رسیدگی به امور خانوادگی طرح دادگاه خانواده به تصویب رسید. به موجب این قانون صلاحیت این دادگاه رسیدگی به دعاوی چون نکاح دائم، نکاح موقت، طلاق، مهریه، فسخ نکاح، جهیزیه اجرت المثل و... می‌باشد (آرتیدار، ۱۳۸۶: ۴۲ و ۱۱۰).

در قوانین کیفری کشورمان نیز در قوانین متعدد، موارد مرتبط با خانواده به چشم می‌خورد که می‌توان به وظایف سازمان زندان‌ها برای کمک به خانواده زندانیان و مددکاری برای آن‌ها، قانون استفاده ابزاری از جنس زن و افراد در مطبوعات، جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی و ضد حقوق و تکالیف خانوادگی اشاره کرد.

علاوه بر موارد ذکر شده در قوانین دیگری چون قوانین استخدامی (همانند قانون خدمت نیمه وقت بانوان، هزینه عائله‌مندی برای زنان)، قوانین کار و امور اجتماعی (همانند قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست، زنان خانه‌دار و توجه به شرایط اشتغال و تسهیلات رفاهی برای زنان و مادران، تأسیس صندوق پس‌انداز ازدواج، آئین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی، قانون تسهیل ازدواج جوانان)، قوانین فرهنگی مصوب شورای فرهنگی اجتماعی زنان (قوانین علمی و آموزشی و اساسنامه‌های مراکز آموزشی برای بانوان)، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (چون اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان،

بازدارندگی همه جانبه»، «صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی ایرانی» و «حاکمیت موثر و استقرار دولت شایسته» دارد. به طور کلی تدوین برنامه چهارم و بخش های این برنامه، با برنامه های قبلی متفاوت است و نمی توان در آن بخشی به نام بهزیستی یا تأمین اجتماعی یا رفاه سلامت پیدا کرد. بلکه در مواد مختلف این برنامه می توان به مواردی که با رفاه خانواده و رفاه افراد در ارتباط باشد، دست یافت (برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۲). برنامه چهارم دارای ۶ بخش و ۱۵ فصل و ۱۶۰ ماده است. بخش سوم این برنامه، ارتقاء سلامت و بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی را در خود جای داده است. در همین بخش به طور مستقیم به ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروه های در معرض آسیب، خانواده فقرا و نقاط آسیب خیز و بحران زای اجتماعی اشاره شده است. در این برنامه هم خانواده ایثارگران و شهدا به طور جداگانه دیده شده است (مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳).

برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۰-۱۳۹۴): برنامه پنجم در ۹ فصل و ۲۳۵ ماده تدوین شده که فصل سوم آن را امور اجتماعی تشکیل می دهد. این فصل به ۶ زیر مجموعه بیمه های اجتماعی، سلامت، بیمه سلامت، حمایتی و توانمندسازی، سرمایه اجتماعی - جوانان و خانواده و ایثارگران پرداخته است. در زیر مجموعه سرمایه اجتماعی - جوانان و خانواده به مسائل جوانان از جمله ازدواج آنها اشاره شده است. در زیر مجموعه حمایتی و توانمندسازی به زنان سرپرست خانوار و برنامه های خانواده محور توجه شده است. در بخش مربوط به ایثارگران به خانواده این گروه به طور جداگانه اهمیت داده شده است. در فصل حقوق قضایی سازمان های ذی ربط مانند بهزیستی و کمیته امداد مکلف به رفع مشکل خانواده زندانیان بی بضاعت شده اند (مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه، ۱۳۸۹).

بررسی پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران از ابعاد مختلفی چون اهداف و سیاست های مرتبط با موضوع خانواده، تخصیص فصل جداگانه به این موضوع، گروه های مخاطب رفاهی و سازمان های ارائه دهنده خدمات صورت گرفته که در قالب جداولی (جدول ۱ و ۲) خلاصه شده است.

مورد نظر قرار گرفته اند. بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی بخش دهم این برنامه است که در هدف های کیفی آن به فراهم آوردن موجبات حفظ و تقویت خانواده به عنوان اساسی ترین واحد اجتماعی و تأمین زندگی متعارف برای خانواده های نیازمند، بی سرپرست و معلولین همچنین رشد و اعتلای سطح فرهنگی و اعتقادی خانواده های تحت حمایت بخش بهزیستی، اشاره شده است. در کنار توجه خاصی که به گروه خانواده های شاهد و جانباز در این بخش صورت گرفته است، برنامه های دیگری مرتبط با رفاه اعضای خانواده، نظیر برنامه توانبخشی برنامه امداد آسیب دیدگان، برنامه کارآموزی و بازپروری اجتماعی و برنامه حمایت خانواده نیز مدنظر واقع شده اند (برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۲).

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳):

این برنامه از سه قسمت حوزه های فرابخشی، حوزه های بخشی و نظارت تشکیل شده است که در حوزه های فرابخشی نظام تأمین اجتماعی و یارانه ها آمده است و در آن به بیمه های کارگران و جانبازان و ایثارگران پرداخته شده است. در بخش بهداشت و درمانی در امور بخشی این برنامه تنها به مساله سوء تغذیه خانواده های کم درآمد پرداخته شده است. در سند برنامه سوم، بهزیستی و توانبخشی جزئی از بهداشت و درمان آمده و تنها به افزایش تعداد معلولین و افزایش تعداد سالمندان و کمک به نگهداری آنها به وسیله مشارکت جامعه اشاره شده است (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸).

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴ - ۱۳۸۸):

مأموریت اصلی این برنامه رشد پایدار اقتصادی دانایی محور است و چهار هدف کلی «توسعه دانش پایه، عدالت محور و در تعامل با جهان»، «تأمین مطمئن امنیت ملی و

سیاست‌گذاری رفاه خانواده در ایران، مطالعه تطبیقی برنامه‌های توسعه

جدول شماره (۱) مقایسه اهداف و سیاست‌های برنامه‌های توسعه

برنامه توسعه	بازه اجرایی	اهداف و سیاست‌های کلی و خط مشی‌های اساسی مرتبط (در این قسمت مواردی که با امور اجتماعی و با سیاست‌های رفاه خانواده نیز مرتبط‌اند، آورده شده است).
برنامه اول توسعه	۱۳۶۸ الی ۱۳۷۲	اهداف: • تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی اسلامی. • تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم. سیاست‌ها: تغییر سیستم سهمیه‌بندی کالاهای اساسی به نحوی که سوبسیدهای پرداخت شده در چارچوب نظام تأمین اجتماعی کشور به تدریج صرفاً متوجه افراد کم‌درآمد جامعه گردد. خط مشی‌ها: • تلاش در جهت تأمین قسط اسلامی و عدالت اجتماعی. • تأمین حداقل نیازهای اساسی عامه مردم
برنامه دوم توسعه	۱۳۷۳ الی ۱۳۷۷	اهداف و چشم‌اندازها: تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی از طریق: • توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم. • تعمیم، گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی. • عنایت به مناطق محروم و روستاها بالویت اشتغال، بهداشت و آموزش، تولید عمران. • حمایت از ایشارگران و بسیجیان و رزمندگان و اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر. • تحت پوشش قراردادن کلیه کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم و تقویت آموزش‌های عمومی. • تأمین بهداشت عمومی و گسترش بیمه همگانی. • جهت دادن کمک‌های انتقالی دولت در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند و محرومیت‌زدایی. • اتخاذ تصمیمات سازگار جهت محرومیت‌زدایی و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای در برنامه‌های آمایش سرزمین
برنامه سوم توسعه	۱۳۷۹ الی ۱۳۸۳	اهداف: استقرار عدالت اجتماعی سیاست‌های امور اقتصادی: • تمرکز دادن همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به سمت و سوی «عدالت اجتماعی» و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات، رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد. • ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی. • تلاش برای مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه و کمک به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال برای آنان. سیاست‌های امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی: • اهتمام به موضوع «جوانان» ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده شغلی و علمی آن. • تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی، و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها • اصلاح نظام اداری در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان • آمایش سرزمین به عنوان چارچوب بلندمدت در برنامه‌ریزی‌ها مبتنی بر اصول: • گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای. • توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی و رفع محرومیت خصوصاً در مناطق روستایی کشور.
برنامه چهارم توسعه	۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸	سیاست‌های امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی (با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله): • تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت و • ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌ها • تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها • تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی: • فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان. • توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان. • اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان و ... • آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول: • گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای. • رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور. سیاست‌های امور اقتصادی (با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله): • تحقق رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و پرتاب متناسب با اهداف چشم‌انداز. • ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری. • مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله بین دهک‌های بالا و پایین درآمدی جامعه. • حمایت از تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد و نیازمند. • توسعه روستاها: • ارتقا سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل به ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات.
برنامه پنجم توسعه	۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴	سیاست‌های امور علمی و فناوری (با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله): تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقاء کیفی آن در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان. سیاست‌های امور اجتماعی (با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله): • تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها • تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان. سیاست‌های امور اقتصادی (با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله): • گسترش عدالت اجتماعی با: • تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت... • اقدامات لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌های حاصل از دوران‌های تاریخی گذشته با تأکید بر مواردی چون: • کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به طوری که ضریب جینی به حداکثر ۰/۳۵ در پایان برنامه برسد. • انجام اقدامات ضروری برای رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد. • تأمین بیمه فراگیر و کارآمد و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی و خدمات بیمه درمانی. • توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی. • حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار. • توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه به نحوی که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد.

[illegible]

بحث و نتیجه گیری

بررسی برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب نشان می‌دهد که در برنامه اول و دوم عمرانی قبل از انقلاب فصلی به نام امور اجتماعی یا اصلاحات اجتماعی وجود داشت ولی از رفاه خانواده به طور اخص بحثی به میان نیامده است. در برنامه سوم عمرانی قبل از انقلاب برنامه‌های رفاهی مد نظر بوده ولی به شکل جداگانه رفاه خانواده مطرح نشده است. در برنامه چهارم عمرانی قبل از انقلاب، فصل «رفاه اجتماعی» به عنوان یکی از فصول برنامه توسعه و برنامه‌ای تحت عنوان «رفاه خانواده و کودک» نیز در ذیل این فصل دیده شد. این برنامه در ارائه خدمات «آموزشی» رویکردی فراگیر دارد و در ارائه خدمات «مالی و اقتصادی» به خانواده‌ها رویکرد آن تا حدودی شبیه به رویکرد استحقاق‌سنج است. برنامه پنجم عمرانی قبل از انقلاب نیز به طور توأم، هدف‌هایی از نوع فراگیرانه و استحقاق‌سنج را در بر گرفته است. در این

برنامه به طور خاص به خانواده و کودک، کودکان بی سرپرست، توانبخشی گروه‌های خاص، سالمندان و آسیب‌دیدگان توجه شده است و وزارت رفاه نیز در این دوره تشکیل شد. در نهایت نیز در تدوین برنامه ششم عمرانی قبل از انقلاب نیز به رفاه خانواده و مراکز رفاه خانواده توجه خاص شده بوده است.

به طور کلی می‌توان عنوان کرد که در طول زمان در تدوین برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب، نگاه به خانواده به مرور عمیق‌تر می‌شود. در این شش برنامه در سیاست‌های اشتغال مرتبط با خانواده، مدل حمایت عمومی (حمایت مرد نان‌آور) وجود دارد. در این سال‌ها نقش زنان سنتی است و کمتر به اشتغال زنان توجه شده است. یا به مشکل زنان شاغل کمتر در قالب یک برنامه پرداخته شده است. از جمله نواقص برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب را می‌توان تداخل در فعالیت سازمان‌ها و موازی‌کاری در ارائه خدمات و عدم وجود ارتباط مطلوب بین موسسات دولتی و خصوصی و... دانست.

در بررسی وضعیت رفاه خانواده پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های مرتبط با خانواده که در حال حاضر در کشورمان در دست تدوین و اجرا است، شامل این موارد است: سند امنیت زنان و کودکان در روابط اجتماعی، منشور حقوق شهروندی، اجرای برنامه تنظیم خانواده، برنامه ملی سلامت کودک، حمایت و بهبود تغذیه با شیر مادر، برنامه مشاوره ژنتیک قبل از ازدواج و بارداری، ارتقای سطح بهداشت روان، تقویت بنیان خانواده با ایجاد مراکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق، ارتقاء مهارت‌های زندگی، توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض آسیب، طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی، توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار، توانبخشی گروه‌های خاص و غیره.

همچنین نهادهایی که در ایران مسئولیت خانواده را بر دوش گرفته‌اند عبارتند از: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، دفتر امور زنان و خانواده سازمان بهزیستی، دفتر زنان و خانواده (یا زنان) وزارتخانه‌ها، کمیته امداد و سازمان‌های مردم‌نهاد.

در بررسی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، می‌توان عنوان کرد که برنامه‌ی اول توسعه‌ی بعد از انقلاب رویکردی آسیب‌نگر به تأمین رفاه دارد. در این برنامه نگرشی شبیه به استحقاق‌سنجی البته با اولویت تشخیص سیاست‌گذاران دنبال شده است و مشکلات پس از جنگ باعث شده که توجه عمدتاً معطوف به خانواده‌های شهدا و جانبازان و پس از آن به خانواده‌های مهاجرین و خانواده‌های نیازمندان باشد. در برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب نیز خانواده‌های نیازمند، بی‌سرپرست و معلولین مورد توجه قرار دارند. اگر چه در برنامه سوم پیشرفت‌های رفاهی زیادی در مورد خانواده صورت گرفته ولی در

این برنامه نیز هیچ بخشی تحت عنوان رفاه وجود ندارد و بهزیستی هم در زیر مجموعه بهداشت و درمان واقع شده است. رویکرد غالب در این دوره رویکردی بیمارنگر و آسیب‌محور به خدمات رفاهی و نیازمندان رفاه است. در برنامه چهارم توسعه نیز خانواده‌های کم‌درآمد، کاهش فقر و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده بیشتر مدنظر بوده است. در زمان برنامه چهارم وزارت رفاه تشکل یافته‌تر شد و مسئول امور رفاهی شد و به اقدامات مددکاری اجتماعی و اجتماع محور در این برنامه توجه خاصی شده است. برنامه پنجم نیز توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند به ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند را با تأکید بر برنامه‌های اجتماع محور و خانواده محور مد نظر قرار داده است. سطح‌بندی خدمات حمایتی و بیمه‌های زنان سرپرست خانوار از دیگر مواردی بوده که در این برنامه گنجانده شده است.

با توجه به موارد تحلیل شده می‌توان عنوان کرد که عدم وجود رویکردی کل‌نگر به خانواده در سیاست‌های رفاه خانواده‌ی اکثر قریب به اتفاق کشورها مشاهده می‌شود و اکثریت کشورها نگرشی بیمارمحور و آسیب‌محور به خانواده دارند و سیاست‌های آن‌ها برای کمک به خانواده‌های نیازمند و مسئله‌دار وضع شده است. به نظر می‌رسد در ایران نیز رویکردی سلامت‌نگر به سیاست رفاه خانواده وجود ندارد. در ایران رفاه خانواده خدمات پایه‌ای را ارائه می‌دهد. یعنی خدمات بر اساس صلاح‌دید دولت و در حد نیازهای اساسی و تنها به خانواده‌هایی که دچار مشکل گردیده‌اند، ارائه می‌شود. در واقع سیاست خانواده در ایران فراگیر نمی‌باشد و رویکرد غالب در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های رفاهی برای خانواده در دستگاه‌های متولی شبیه به الگوهای استحقاق‌سنجی و یا استطاعت

سنجی است. البته با تشخیص «استحقاق» توسط «سیاست گذار».

علیرغم اینکه نگرش کل نگر به خانواده هویت می بخشد، اجزا را در درون این سیستم منسجم می نماید و باعث حمایت و حفاظت این نهاد در مقابل خطرات می گردد، در ایران خانواده به عنوان یک کل در نظر گرفته نمی شود و کارکردهای مختلف آموزشی، تربیتی، اقتصادی و اجتماعی و... آن نادیده انگاشته شده است.

ایران هم مانند بعضی کشورها، سیاست خانواده ضمنی دارد. اما سیاست سلامت و اشتغال صریح دارد. همچنین باید اذعان داشت که بسیاری از سیاستها مانند سیاستهای مسکن، آموزش، بهداشت و سلامت و... با سیاستهای مربوط به خانواده هم پوشانی دارد و در ارتباط نزدیک است. در واقع همه برنامه هایی که در مورد رفاه تدوین می شود، به نوعی با خانواده و اعضای آن در ارتباط می باشد. از این رو، لازم است که سیاست خانواده در ایران بطور اخص تعریف و تعیین شود.

همچنین ایران مانند کشورهای لیبرال نیست که همجنس گرایی یا آزاد گذاشتن نام خانوادگی بر فرزندان را در سیاستها داشته باشد و مانند کشورهای سوسیال دموکرات هم نیست که حمایتهای بالایی از نظر هزینه و کمکهای مالی به خانواده داشته باشد. در ایران دولت از طریق تامین مزایای شغلی محدود در خانواده دخالت می کند و همچنین مداخله دولت برای ارائه یارانه زمانی صورت می گیرد که خانواده در ارائه خدمت به اعضایش به طور کامل قادر نباشد. در ایران بر نقش سنتی خانواده تاکید می شود و مدل "مرد نان آور" مورد توجه قرار می گیرد. این ویژگیها در بعضی از کشورهای محافظه کار دیده می شود.

در نهایت می توان عنوان کرد که اگر چه در ایران نگرشی سنتی برای حفظ نهاد

خانواده وجود دارد اما حمایتهای دولتی از این نهاد، در حد کافی نیست و به نظر می رسد که در اندیشه کلی سیاستمداران در کشور ایران، حمایت از خانواده در تلاش برای حفظ نقش زن و مرد در سیاست گذاریهایی چون، عدم مداخله در خانواده، حمایت محدود از زنان سرپرست خانوار، تدوین برخی سیاستهای حمایتی شغلی برای زنان و مواردی مانند آن خلاصه شده است. در واقع در حال حاضر در ایران، حمایتهای قانونی لازم برای مداخله در مشکلات و بحرانهای خانواده وجود ندارد، حمایتهای اقتصادی خاصی در جهت حفظ و بقای خانواده صورت نمی پذیرد و در مجموع خدمات و قوانین در این ارتباط بسیار اندک است و پاسخگوی نیازهای روز افزون خانواده نیست، و این در حالی است که سازمان خاصی هم متولی سیاست گذاری و اجرا برای رفاه خانواده نمی باشد و سازمانهای مردم نهاد فعال نیز در این عرصه نیز بسیار اندک می باشند.

همچنین رفاه و عدالت یکی از دغدغههای حرفه مددکاری اجتماعی است و این حرفه نقش مهمی در حساس کردن سیاست گذاران و ارائه دهندگان خدمات اجتماعی، به نیازهای جامعه بر عهده دارد و مددکاران اجتماعی می توانند سیاست گذاران خدمات اجتماعی را برای اصلاح خدمات، سیاست گذاریهای موثر یا تدوین خط مشیهای دقیق و همچنین ارائه الگوی متناسب با فرهنگ جامعه، یاری رسانند (اقلیما و عادلین راسی، ۱۳۸۷؛ توئلو تریز، ۱۳۸۶). لذا لازم است مددکاران اجتماعی با توجه به نقشی که می توانند در این زمینه ایفا کنند، نقش پررنگ تری در عرصه کلان رفاه خانواده داشته باشند و نهادهای سیاست گذار نیز از در مراحل مختلف تدوین، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه های مختلف رفاهی از آراء و نظرات تخصصی متخصصان حوزه اجتماعی بهره ببرند.



References:

- Artidar, Tayebbeh.(1386) Laws of Family and women in Islamic Republic Of Iran. Government Center of Family and women. Tehran: Sureh Mehr publication. (in Persian)
- Blakemore, Ken, Griggs, Edwin (1385), Social policy: an introduction. Translated by A. A. Saeedi & S. Sadeghi Jaghe. Tehran: Social Security Research Center. (in Persian)
- Bogenschneider, Karen(2006). Teaching Family Policy in Undergraduate and Graduate Classrooms: Why It's Important and How to Do It Better. Family Relations, 55 (January 2006), 16–28. Blackwell Publishing. National Council on Family Relations.
- Bogenschneider, Karen(2014), Family Policy Matters : How Policymaking Affects Families and What Professionals Can Do, 3rd Edition. Routledge – 2014 – 442 page
- Constitution of the Islamic Republic of Iran. Available at: http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution. (in Persian)
- Eghlima, Mostafa & Adelian Rasi, Hamideh(1387). Techniques of Working with Community: Community Social work. Mashhad: Fara Angizesh publication. (in Persian)
- First Development Program of Iran 1334-1327(1327). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- First Economic, Social and cultural Development Program of Iran 1362-1366(1361). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Fifth Economic, Social and cultural Development Program of Iran 1390-1394(1389). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Fifth Development Program of Iran 1352-1356(1351). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Forth Development Program of Iran 1347-1351(1346). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Forth Economic, Social and cultural Development Program of Iran 1384-1388(1383). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Makinin, Tina(1379). Construction, Social Policy and Poverty Pressure, Translated by: Abutorab, Sohrab. Social Security Journal, Vol. 5. 137-162. (in Persian)
- Majdfar, Fatemeh(1382). General Sociology. Tehran: Shoa' Publication, 1st ed. (in Persian)
- McCarthy, Ribbens & Rosalind, Jane Edwards(1390). Key concepts in family studies. Translated by M. M. Labibi. Tehran: Elm Publication. (in Persian)
- Mizrahi, Terry & Davis, Larry E. (Editor s in Chief) (2008). ENCYCLOPEDIA OF SOCIAL WORK, 20TH edition, VOLUME 2 : D-I. NASW PRESS OXFORD UNIVERSITY PRESS
- Pinker, Robert A. (2014), Britannica Encyclopedia, Last Updated 9-25-2014, Available at : <http://www.britannica.com/>.
- Second Development Program of Iran 1334-1341(1334). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Second Economic, Social and cultural Development Program of Iran 1373-1377(1372). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Shadlu, Shideh(1384). Role of Institutions in Family of worldwide level. Women's Right Journal. Vol. 24. 8-14. (in Persian)
- Sixth Development Program of Iran 1357-1361(1355). Goals, Strategies and Policies. Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Sixth Development Program of Iran 1357-1361(1357). Detailed Program. Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Seekings, Jeremy. (2005). The Politics of Welfare Regimes in the south. Paper to be presented at the Yale Conference on Distributive Politics, New Haven, April / May 2005.
- Scruggs, Iyla A. & Allen, James p. (2006). Social Stratification and Welfare Regimes for the 21 Century. Revisiting the " Tree Worlds of Welfare Capitalism" Paper prepared for delivery at the 15th International Conference of Europeanists, drake hotel, Chicago, March 30, April 1, 2006.
- Third Development Program of Iran 1341-1346(1341). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Third Economic, Social and cultural Development Program of Iran 1379-1382(1378). Tehran: Plan and Budget Organization. (in Persian)
- Twelvetees, Alan C.(1386). Community work(Practical social work), Translated by Farideh Hemmati. Tehran: Samt Publication. (in Persian)